

معرفی و نقد مقاله:

خطاهای روشی در یک مقاله روش‌شناختی

هاشم صادقی

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

در چکیده یک مقاله علمی پژوهشی^۱ آمده است: «در اروپا نخستین گام‌ها در راه تحقیق روشمند از اوایل قرن ۱۷ میلادی برداشته شده؛ درحالی‌که در مشرق‌زمین ... نظامی گنجه‌ای به مراحل پژوهش روشمند نظر داشته و حتی در مقدمه هفت پیکر با زبان شعر به موضوعاتی چون پیشینه تحقیق، طرح پژوهش، گردآوری منابع و نوآوری و نوگستری علمی تصریح کرده است.»

مقاله «درخواست علاءالدین کرپارسلاان پادشاه وقت مراغه از نظامی برای سرودن هفت پیکر» را هدف تحقیق قلمداد کرده و گفته است شاعر در ازای «سفارش تحقیق» (۱۵۰) «حق‌التحقیق» (۱۵۱) دریافت می‌کرده است. نویسنده، هفتاد بیت را که نظامی در سبب نظم کتاب سروده، به‌منزله پیشنهاد تحقیق علمی در پنج بخش (انگیزه تحقیق، توجه به پیشینه تحقیق، گردآوری منابع، طرح پژوهشی و نوآوری) به بحث گذاشته است. شگفتا مقاله‌ای با هدف ارتقای روش تحقیق دانشگاهی ارائه می‌شود، اما خود چنین بنیادهای سست و نادرستی دارد. میان منظومه داستانی هفت پیکر و پژوهش علمی دست‌کم سه تفاوت بنیادین وجود دارد:

الف) از منظر گونه‌شناسی نوشتار: هفت پیکر یک متن داستانی منظوم و صددرصد ادبی است. خود نظامی می‌گوید: چنین فرمود شاهنشاه عالم/که عشقی نو برآر از راه

عالم. تعبیر صریح «برآوردن عشقی نو» نشان می‌دهد نظامی هرگز انگیزه علمی نداشته و منظومه شاعرانه وی در شمار رمانس است که در ادبیات فارسی به آن «هوس‌نامه» گفته‌اند. چنین متن‌هایی از نظر دانشمندان قدیم و جدید نه ماهیت تاریخی داشته است و نه پژوهش علمی به‌شمار می‌رود. اما پژوهش علمی با هدف مشخص یعنی «کشف یک مجهول» یا «طرح یک ایده یا روش جدید علمی» نوشته می‌شود. دو نوع متن از دو ژانر متفاوت (حتی متقابل) که تقابل‌ها و تفاوت‌های این دو نوع نوشتار موضوع بسیاری از بحث‌های بنیادین در زبان‌شناسی، فلسفه زبان، و نظریه ادبی به‌ویژه در فرمالیسم است.

ب) از نظر نقش زبان در دو متن: نویسنده به مسئله تفاوت نقش زبان در دو قلمرو سخن ارجاعی (علمی) و سخن ادبی هیچ توجه نکرده است. نقش زبان در ادبیات، خلاقه و زیبایی‌شناسانه است. اموری همچون اغراق و مبالغه، بزرگ‌نمایی، ابهام، کنایه، چندمعنایی بودن در زبان ادبی ارزش و فضیلت‌اند؛ اما برای نوشتار علمی نقیصه به‌شمار می‌آیند. تقریباً همه کارشناسان ادبیات فارسی متفق‌اند که سبک نظامی، استعاری و نازک‌اندیشانه است. بر اساس تمایزهای روشنی که فرمالیست‌ها میان زبان علم و زبان ادبی مطرح کرده‌اند، نوشتار علمی زبان استعاری و ابهام‌های ادبی را بر نمی‌تابد. این مقاله، نظام‌های متمایز علم^۴، دانش^۳ و هنر^۴ را نادیده می‌گیرد که با مبانی تئوریک روش تحقیق مغایرت دارد.

ج) از نظر روش‌شناسی: نویسنده دو اصطلاح طرح تحقیق^۵ و طرح داستان^۶ را یکی دانسته و طرح تحقیق را برای تنظیم ابواب هفت پیکر به‌کار برده است (۱۵۵). این خطا ناشی از یکی دانستن متن داستانی با نوشتار پژوهشی است. نقش طرح در پژوهش، تنظیم و طبقه‌بندی مطالب به منظور دست‌یابی به نتایج پیش‌بینی‌شده است حال آنکه در داستان طرح توالی منظم و منطقی رویدادهاست که روند علی و معلولی حوادث و اعمال شخصیت‌های داستان را مشخص می‌کند. در خوش‌بینانه‌ترین صورت، جست‌وجوهای نظامی برای سرودن منظومه‌اش از نوع گردآوری اطلاعات در کار داستان‌نویسان و فیلم‌سازان است. او حتی مورخ هم نیست؛ زیرا گرچه موضوع داستانش تاریخی است و درباره شخصیتی مانند بهرام

گور به منابع تاریخی مثل آثار بخاری و طبری استناد کرده، مورخان هیچ‌گاه به متن هفت‌پیکر نظامی استناد نمی‌کنند.

نویسنده با آنکه دقت نظامی را در مستندسازی می‌ستاید، خود در بدیهیات و مسلمات به سخن دیگران استناد می‌کند که با اصول ارجاع در روش تحقیق همخوان نیست. برای مثال (۱۴۹) از *تاریخ ادبیات صفا* صفحه ۸۰۷ نقل کرده که «حکیم نظامی گنجه‌ای از شاعران بزرگ قرن ششم هجری است که می‌توان او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست.» یا از مقدمه وحید دستگردی: «هفت‌پیکر از هر جهت آراسته و پیراسته و مشتمل بر هفت افسانه بکر و مقدمه و نتیجه‌های بی‌سابقه و گرانبهاست.» (۱۵۱). قضاوت‌های مندرج در بخش نتیجه نیز اساس درستی ندارد: «کار نظامی را با توجه به توضیحات خود او، به زبان امروزی می‌توان پژوهش توسعه‌ای یا نوگستری نامید. او با گردآوری منابع پیشین و مطالعه دقیق آثار گذشتگان یافته‌های علمی آنان را گسترش داد و با دوری از تکرار و تقلید اطلاعات جدیدی را با ساختاری تازه برای مخاطبان فراهم ساخت. پذیرش این واقعیت می‌تواند مهر پایانی باشد بر اندیشه بعضی از دانشمندان علوم تجربی که تحقیق را صرفاً از نوع تجربی و آزمایشگاهی آن می‌پندارند.»

متأسفانه چنین نوشتاری از نوع افراط و تفریط‌های دوسویه‌ای است که یکی گذشته را مطلق می‌بیند و دیگری تاریخ را واپس‌گرا؛ یکی به ترجمه مطلق پناه می‌برد و بر گذشته یکسره پشت پا می‌زند و دیگری مشغول تفاخر به گذشته است. جانبداری نادرست از فرهنگ بومی با رویکردهایی از این دست، به شووینیسیم فرهنگی می‌انجامد که به جای بازشناسی و ارتقای توان ملی در نظریه‌پردازی و بومی‌سازی مباحث، چنین ساده‌انگارانه زمینه رویگردانی از سنت و فرهنگ را فراهم می‌آورد

پی‌نوشت‌ها

۱. ملک‌نابت، مهدی. (۱۳۸۸). «بن‌مایه‌های پژوهش علمی در هفت‌پیکر نظامی» در *جستارهای ادبی*. نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی. ش ۱۶۴. صص ۱۴۳-۱۶۰.

2. Science
3. Knowledge
4. Art
5. Research Design
6. Plot

